



۲۰۲۰/۰۳/۲۴



م. اسحاق نگارگر

## مادرِ آلی به نام کرونا



من نمی دانم این کرونا زن است یا مرد؟ اما نامش در نزد من زن است و به همین دلیل من آنرا مادرِ آل لقب داده ام اگر به راستی زن باشد باید آن را یک شیر زن مرد افگن خواند که یک تنه جهان را پیش انداخته است و مردان مرد در سراسر جهان از ترس او کوچه به کوچه گریزان هستند.

شنیده بودم که می گفتند: «از ریزه بلا خیزه!» اما این کرونا این ریزه ترین ریزه ها چنان هرکولیس و رستم داستان است که همه از نامش در کندوهای خانه ها پنهان شده اند.

من خودم که ترس در دلم رخنه نکرده بود امروز هشت روز شد که در کنج خانه زندانی استم و اولاد ها هر کدام که تلیفون می کنند حرف شان همین است که «از خانه هیچ بیرون نروین!»

یک هنر این ریزه بلا پرور این است که همه مردم را طیبیب ساخته است. در گذشته ها یک مرد یا زن سال ها به قول سعدی دود چراغ می خورد تا ردای افتخار طبابت را به دوش می افگند و به زمین و زمان غرور می فروخت ولی اینک ترس این هیولای خُرجه همه را متخصصِ کرونا شناسی ساخته است و نسخه های می دهند که به اصطلاح در قوطی عطار هم یافته نمی شود.

یکی می آید و می گوید: «دوای مرگ کرونا کشف شد شربتِ خاکشیر بنوشید سه ساعت بعد کرونا اقلیم بدن تان را رها می کند و پا به فرار می گذارد و عجیب این است که غالب این طبیبان از هونان چین نقل می کنند یعنی همان ها که در همان حمله اول بی بی کرونا از پا افتاده اند. بنام ای ریزه مرد افگن را که خواب شیرین رهبران سیاسی را تلخ ساخته است و من دریغ می آید که کرونا را به چشم نمی بینم که اگر می دیدم با بسیار عذر و زاری دامانش را می گرفتم و از او استرحام می کردم و او را به خانه مدعیان رهبری در افغانستان می فرستادم که با یک حمله صفِ مدعیان قدرت را تصفیه می کرد و همه را می فرستاد که همانند زنبورها برای خواب زمستانی مرش مرش به سوی کندو های خود بروند و تا نام کرونا در تلویزیون ها و رادیوها بُرده می شود از کندو بیرون نیایند.

در افغانستان وقتی مادران به فرزندان و زنان به شوهران دعای بد می کردند به سادگی می گفتند: «باد بخوریت یا مرگ بُبریت»

و حال آنکه باد دهان برای خوردن نداشت و مرگ دست برای بُردن و حالا مردم همه با هم می توانند از کرونا خانم طلب کمک کنند و برایش بگویند که:

«صدقه گکت شویم کرونا جان زور امریکا و ناتو به طالبان نرسید و نتوانستند جنگ سالاران پایمال کننده حقوق بشر را به دست محکمه هاگ بسپارند حالا خودت به سراغ طالبان و دیگر ارباب ستم برو و شرشان را از سر ما دفع کن!

آخر کرونا جان تو یگانه مرد (یعنی زن) میدان استی که همه را با همه سلاح های شان از معرکه فراری ساخته ای!» راستی به یک موضوع دیگر توجه فرموده اید که این کرونای بلا با نام خود ما را تا چه حد از آداب معاشرت بیگانه ساخته است:

### «نزدیک کسی مرو؛ با کسی دست مده! روی دوستانت را مبوس!»

روز بیست بار دوستانت را با مواد معقم تعقیب کن! خلاصه اینکه مردم فکر می کنند عزرائیل نیز از ترس فرار و میدان را برای کرونا رها کرده است.

همه مثل اینکه برات زندگانی ابدی آورده باشند مانند موش از مردن می ترسند و دیگر کم کم کرونا را به نام گم بدل کرده اند.

من دیگر نمی توانم در خانه خود را زندانی احساس کنم. سر از فردا بازار می روم هر چه که پیش آمد. دست کرونا از اینجا تا خود لندن خلاص. اگر مرا بُرد بگذار که اندیوال من بخواند.

«شمال آمد؛ شمال شال مرا بُرد+ کرونا آمد و یار مرا بُرد

الهی گم شَوَد نام کرونا++ آمو یار وفا دار مرا بُرد.»

اما گوش کرونا کر من فردا بازار می روم

والله اعلم بالصواب نگارگر ۱۳مارچ ۲۰۲۰ برمنگهم

\*\*\*\*\*

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و سروده های دیگری از این نویسنده بزرگ را مطالعه کنند، می توانند با "کلیدی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

مادر آلی به نام کرونا